

تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه

شعبان بهمن *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره 2، پیاپی 66، تابستان 1395؛ صفحات 133-158

تاریخ پذیرش نهایی: 1395/06/15

تاریخ دریافت: 1395/05/25

چکیده

روابط روسیه و ترکیه طی یک دهه اخیر با رشد و توسعه فزاینده‌ای مواجه بوده است و برخلاف دوران جنگ سرد که نگرش‌های موجود در روابط ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی از اصول ایدئولوژیک ناشی می‌شد، در سال‌های اخیر منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیک و همچنین شرایط جدید جهانی شدن از نقش تعیین‌کننده‌ای در این روابط برخوردار شده‌اند؛ به نحوی که می‌توان روابط روسیه و ترکیه را در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به دو برهه پیش و پس از روی کار آمدن پوتین در روسیه و حزب عدالت و توسعه در ترکیه تقسیم کرد. بی‌شک، چرخش و جهت‌گیری متفاوت در سیاست خارجی این دو کشور، چند عامل مهم و اساسی را به دنبال داشته و بحث حاضر درصدد ارزیابی و تبیین عوامل مؤثر بر توسعه این روابط است.

واژگان کلیدی

انرژی، ژئوپلیتیک، کمالیسم، پوتینیسم، بوروکراسی دولتی، ناتو، قفقاز، دریای سیاه و حزب عدالت و توسعه



ترک‌ها و اسلاوها از دیرباز با یکدیگر در ارتباط بودند و در همسایگی هم زندگی می‌کردند. علاوه بر ارتباطات مردمی، امپراطوری تزارها و عثمانیان باعث به وجود آمدن تماس‌های زیادی بین طرفین شده بود که اغلب نیز در قالب روابط تخصصی‌آمیز تعریف می‌شد. سابقه رابطه رسمی میان روسیه و ترکیه به بیش از 5 قرن گذشته باز می‌گردد. بیشتر مورخان، زمان آغاز رسمی مراودات دیپلماتیک دو طرف را 30 اگوست 1492 می‌دانند که ایوان سوم، هیئتی تجاری را عازم دربار سلطان بایزید دوم در امپراطوری عثمانی کرد. اگرچه نخستین سفارت روسیه در سال 1701 در استانبول گشایش یافت، دو کشور در دوره‌های مختلف تاریخ، دشمن یکدیگر محسوب می‌شدند. امپراتوری عثمانی و روسیه 12 بار با یکدیگر جنگیدند که آخرین درگیری نظامی میان آنها به جنگ جهانی اول بازمی‌گردد.

با فروپاشی امپراطوی عثمانی، اتحادیه جمهوری سوسیالیستی شوروی نخستین کشوری بود که استقلال ترکیه را به رسمیت شناخت؛ اما پس از وقوع جنگ جهانی دوم و دو قطبی شدن نظام بین‌الملل، آنکارا در طول جنگ سرد به بلوک غرب پیوست و به عضویت سازمان ناتو درآمد؛ در حالی که روسیه به عنوان رهبر و مرکز اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق عمل می‌کرد. همین دوگانگی باعث شد که روابط مسکو و آنکارا به شدت تیره گردد و دو کشور بار دیگر به مدت 40 سال دشمن یکدیگر شوند. با توجه به این سابقه تاریخی، روابط روسیه و ترکیه در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی نیز با فراز و نشیب‌هایی مواجه بوده است. به‌رغم سابقه نه چندان مناسب روابط روسیه و ترکیه از لحاظ تاریخی و همچنین مناسبات تنش‌آلود دو کشور در دهه 1990، سطح بالای همکاری‌های دو طرف در یک دهه اخیر نشان می‌دهد که ترکیه و روسیه سعی کرده‌اند روابط تاریخی خصمانه را به فراموشی بسپارند. بر این



اساس، همکاری‌های سیاسی و مبادلات تجاری دو کشور با انگیزه تحکیم و گسترش مناسبات استراتژیک، افزایش چشمگیری یافته است.

در مجموع می‌توان روابط روسیه و ترکیه را در سال‌های پس از فروپاشی شوروی به دو برهه پیش و پس از روی کار آمدن پوتین در روسیه و حزب عدالت و توسعه در ترکیه تقسیم کرد. تحولات منطقه خاورمیانه به ویژه بحران سوریه تأثیر زیادی بر روابط روسیه و ترکیه گذاشت. ابتدا دو کشور تلاش می‌کردند بدون توجه به بحران سوریه و مواضع متضاد یکدیگر به روابط دوجانبه خود ادامه دهند، با این حال پس از سرنگونی یک بمب افکن سوخوی روسیه در منطقه مرزی سوریه توسط جت‌های جنگنده ترکیه در 24 نوامبر 2015، روابط دو کشور به کلی تیره شد. از آن پس، گمانه‌زنی‌های بسیاری در مورد آینده روابط دو کشور به وجود آمد. با توجه به اهمیت این روابط در سطح دو جانبه و منطقه‌ای به ویژه بحران سوریه و اوضاع مناطق پیرامونی، نوشتار حاضر درصدد است به بررسی تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه و چشم انداز مناسبات دو کشور بپردازد.

در این نوشته، برای تبیین و تحلیل فرض فوق نخست به بررسی دیدگاه‌های موجود در سیاست خارجی ترکیه و روسیه نسبت به یکدیگر پرداخته خواهد شد. سپس نقش و تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه و اکاوی و در پایان نیز چشم انداز مناسبات دو کشور بررسی می‌شود.

روابط ترکیه و روسیه؛ دیدگاه‌های موجود

سوابق تاریخی روابط ترکیه و روسیه باعث می‌شود دیدگاه‌های مختلفی در این دو کشور نسبت به دیگری شکل گیرد که بررسی و مرور هر یک از این دیدگاه‌ها با توجه به نقش و جایگاه هر یک از آنها در تبیین سیاست خارجی مسکو و آنکارا، کمک مهمی به شناخت سیاست خارجی دو طرف در قبال یکدیگر



می‌کند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان رویکردهای موجود در ترکیه و روسیه نسبت به یکدیگر را به دو دسته دیدگاه‌های بدبینانه و خوش‌بینانه تقسیم کرد:

الف) دیدگاه بدبینانه

در میان روس‌ها، تصویر سنتی ترکیه تصویری نگران‌کننده بوده است. روس‌ها همواره به این کشور به مثابه جانشین امپراطوری عثمانی، متحد آمریکا و عضو ناتو نگریسته‌اند. به همین دلیل در روسیه دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به روابط با ترکیه شکل گرفته است. این دیدگاه که متعلق به ملی‌گرایان افراطی و چپ‌های کمونیستی است، ترکیه را همچنان در اردوگاه غرب می‌بیند و برقراری روابط دوستانه با این کشور را چندان مناسب نمی‌داند. همکاری و نزدیکی با غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا و عضویت در ناتو، به همراه غرب‌گرایی ترک‌ها در دوران جنگ سرد از عواملی محسوب می‌شوند که باعث به وجود آمدن دیدگاه منفی نزد ملی‌گرایان و کمونیست‌های روسیه نسبت به آنکارا شده است.

از نظر آنها، ترکیه به چند دلیل بسیار مهم از غرب رویگردان نمی‌شود؛ نخست آنکه اهداف و آمال ترکیه و روسیه به‌ویژه در قفقاز (منطقه‌ای که هر دو کشور، منافع راهبردی عمیق و دیرینه‌ای دارند) متناقض هستند. دوم آنکه ترکیه در زمینه دفاعی به تجهیزات نظامی غرب وابسته است و در حال حاضر تقریباً کل نیروی هوایی ترکیه از هواپیماهای آمریکایی تشکیل می‌شود. بر این اساس، به رغم آنکه طی سال‌های گذشته چند معامله تسلیحاتی بین آنکارا و مسکو صورت گرفته، گرایش به سلاح‌های ساخت روسیه برای آنکارا دشوار بوده است و از توانایی عملیات مؤثر ترکیه با متحدانش در ناتو می‌کاهد. سومین عاملی که موجب رویگردان نشدن ترکیه از غرب می‌شود، این نکته است که تجدید گرایش به روسیه در تضاد با غربی کردن ترکیه است که از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در سال 1932 توسط آتاتورک، سنگ بنای سیاست آن کشور بوده است. در واقع

چنین امری به معنای انحراف از اصول بنیادین طرفداران مصطفی کمال است و احتمالاً با مخالفت بخش مهمی از ترک‌ها به‌ویژه نظامیان بلندپایه مواجه خواهد شد که خود را پاسدار میراث آتاتورک می‌دانند (Larrabee, 2011, p. 112).

از سوی دیگر، در ترکیه به دلیل جنگ‌های تاریخی عثمانیان با تزارها و همچنین خاطرات منفی دوران جنگ سرد به روسیه به عنوان کشوری متخاصم نگریسته می‌شود. به همین دلیل بسیاری از ترک‌ها، روابط مسکو و آنکارا را به هیچ وجه نمی‌پذیرند. تکیه اصلی هواداران این دیدگاه به چند دلیل تاریخی مرتبط می‌شود که باعث شده روسیه در میان ترک‌ها از جایگاه مناسبی برخوردار نباشد. این دلایل عبارت‌اند از:

1. از لحاظ تاریخی، تصویر نسبتاً بدی از روسیه در میان مردم ترکیه وجود دارد. افکار عمومی ترک‌ها هنوز تنفر عمیقی از سیاست‌های تجاوزکارانه تزارها در سده‌های گذشته دارند و مردم ترکیه هرگز جنایت‌های روس‌ها علیه کشورشان را فراموش نمی‌کنند. روسیه بیش از 500 سال عامل تهدید تمامیت ارضی ترکیه بود و در فروپاشی امپراتوری عثمانی نیز نقش کلیدی داشت. این کشور بعدها در قالب اتحاد جماهیر شوروی، به‌طور جدی استقلال و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می‌کرد.

2. ترکیه به سبب روابط نزدیک با غرب نمی‌تواند متحد خوبی برای مسکو باشد. در واقع، آنکارا به دلیل عضویت در پیمان ناتو، رابطه و دوستی عمیق با واشنگتن و تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپا هرگز نمی‌تواند شریک استراتژیک خوبی برای روس‌ها به شمار آید.

3. منافع روسیه و ترکیه به‌ویژه در حوزه انرژی متعارض است. این تعارض در مناطق بسیاری به ویژه مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به خوبی نمایان است.

4. نزدیکی ترکیه به روسیه از لحاظ ایدئولوژیکی و سیاسی با تفکرات غرب‌گرایانه آتاتورک در تضاد است.



بر اساس این دیدگاه، روسیه و ترکیه هرگز نمی‌توانند در درازمدت به برقراری روابط پایدار و دوستانه بپردازند.

ب) دیدگاه خوش‌بینانه

علاوه بر دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به روابط روسیه و ترکیه، در هر دو کشور دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که رویکردی خوش‌بینانه به مسائل دارند. این دیدگاه بیشتر از سوی اوراسیاگرایان در روسیه و ترکیه ترویج می‌شود.

در روسیه، برخی از اوراسیاگرایان معتقدند که در صورت تداوم و گسترش روابط ترکیه و روسیه، این احتمال وجود دارد که آنکارا سطح همکاری‌های خود را با ناتو در آینده کاهش دهد و به همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای با مشارکت روسیه علاقه‌مند شود. مطابق این دیدگاه، ترک‌ها در زمینه هویت ملی و همچنین منافع ملی خود حساسیت فراوانی نشان می‌دهند و نسبت به نیات دیپلمات‌های غربی بدبین هستند، زیرا نباید این حقیقت را از یاد برد که ترکیه چندین قرن از سیاست‌های غرب رنج برده و در نهایت بخش‌های عظیمی از امپراتوری عثمانی در بالکان، خاورمیانه و قفقاز را از دست داده است. حتی دولت نوین ترکیه نیز پس از جنگ جهانی اول توسط دولت‌های متخاصم اروپایی مانند یونان تقریباً از هم پاشیده شد و تنها به یمن مقاومت عجیب آن کشور به رهبری آتاتورک نجات یافت.

بر این اساس، اوراسیاگرایان روسی معتقدند که تجربه‌های تاریخی، موجب پیدایش احساسات قدرتمند ملی‌گرایانه و ضدامپریالیستی در مردم ترکیه شده است. این احساسات تنها به این علت تا حدودی تعدیل شد که آن کشور سرانجام توانست با اخراج قدرت‌های حریص غربی در سال 1921، بار دیگر قدرت و استقلال خود را به دست آورد. با این حال، از آن دوران تا کنون، هنوز نوعی تردید نسبت به انگیزه‌های واقعی ایالات متحده و اروپا در میان مردم ترکیه باقی مانده است که گاهی از اعماق به سطح می‌آید و به شکل قدرتمندی ظاهر



می‌گردد. این تردید در میان همه طیف‌های سیاسی ترکیه شامل ارتش، ملی‌گرایان طرفدار آتاتورک، چپ‌گرایان و اسلام‌گرایان مشترک است و حتی در میان غرب‌زده‌ترین محافل نیز به چشم می‌خورد (اطه‌ری و بهمن، 1391، صص 7-8). در نتیجه به رغم آنکه خط‌مشی آتاتورکیسم، ترکیه را به صورت جدی به سمت غرب هدایت کرد تا از آن یک دولت مدرن غربی بسازد، در حال حاضر با قدرت گرفتن اسلام‌گرایان، نوعی از شرق‌گرایی سرلوحه سیاست خارجی آنکارا شده است. در چنین شرایطی، مسکو و آنکارا به جای رقابت برای گسترش حوزه نفوذ خود در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی باید بر همکاری‌های خود بیافزایند و سطح مبادلات بازرگانی خود را بالا ببرند.

از سوی دیگر، در ترکیه نیز اوراسیاگرایان روسیه را یک شریک راهبردی و مهم می‌دانند و معتقد به تقویت روابط با مسکو هستند. این دیدگاه، خواهان جدایی کامل ترکیه از غرب و حرکت به سوی شرق است. از نظر اوراسیاگرایان ترک، کشورهایمانند روسیه، ایران، چین و هند به همراه مناطقی نظیر خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز باید به اولویت اول سیاست خارجی ترکیه مبدل شوند.

به طور کلی در دو دهه گذشته، با توجه به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، بار دیگر اهمیت راهبردی منطقه اوراسیا در ترکیه برجسته شده است؛ به ویژه که برخی از ترک‌ها، منطقه اوراسیا را حوزه جدیدی برای گسترش نفوذ و تقویت کننده اهمیت راهبردی آنکارا نزد غرب در نظر می‌گیرند. از این رو، شرق‌گرایان و اوراسیاگرایان معتقدند که سیاست خارجی ترکیه علاوه بر خاورمیانه، باید در آسیای مرکزی و قفقاز نیز به شدت فعال باشد. در سال‌های اخیر، گسترش روابط با خاورمیانه به همراه افزایش مناسبات با آسیای مرکزی و قفقاز، به عنوان راهی برای جبران ناکامی‌های ترکیه در ورود به اتحادیه اروپا مطرح شده است (Meral & Paris, 2010, p. 75-86). در چنین دیدگاهی، روابط با روسیه می‌تواند



انگیزه‌های قابل توجه و منافع بی‌شماری داشته باشد.

علاوه بر اوراسیاگرایان که در داخل ترکیه خواهان گسترش روابط با روسیه هستند، عده دیگری نیز وجود دارند که روسیه را جایگزینی در برابر غرب می‌بینند. به عبارت دیگر، آنان به روسیه به مثابه کشوری می‌نگرند که در صورت ایجاد چالش جدی در روابط آنکارا با غرب می‌تواند به سمت مسکو حرکت کند (Larrabee, 2009, p.10). این دیدگاه بیشتر در بین کمالیست‌های محافظه‌کار ارتش ترکیه رایج است و روسیه می‌تواند در مقایسه با اتحادیه اروپا، جایگزین استراتژیک بهتری برای ترکیه باشد؛ زیرا روسیه برخلاف اتحادیه اروپا، هیچ تقاضایی درباره حقوق سیاسی کردها ندارد و همانند آمریکایی‌ها با کردها همدردی نمی‌کند (Hill & Taspinar, 2007, p. 10).

تأثیر بحران سوریه بر روابط روسیه و ترکیه

برخلاف دوران جنگ سرد که نگرش‌های موجود در روابط ترکیه و اتحاد جماهیر شوروی از اصول ایدئولوژیک ناشی می‌شد و همچنین دهه 1990 که مناسبات تنش‌آلودی میان دو کشور برقرار بود، در سال‌های اخیر منافع اقتصادی، سیاسی و ژئوپلتیک و همچنین شرایط جدید جهانی شدن باعث رشد و توسعه روابط دوجانبه میان مسکو و آنکارا شد. بر این اساس، روابط روسیه و ترکیه طی یک دهه اخیر با رشد و توسعه فزاینده‌ای مواجه بود؛ اما بحران سوریه و نحوه موضع‌گیری هر یک از طرفین، روابط مسکو و آنکارا را تحت تأثیر قرار داد. در آغاز، هر دو کشور سعی کردند اختلاف نظر درباره سوریه را از روابط رو به رشد دوجانبه دور نگه دارند؛ اما حضور نظامی مستقیم روسیه در سوریه باعث تغییر و تحولات عمیقی در صحنه بحران این کشور شد.

الف) ترکیه و پیامدهای حضور نظامی روسیه در سوریه

ترکیه به واسطه حضور نظامی روسیه و حمایت مسکو از دولت اسد، بیشترین





ضرر را متحمل شد، زیرا به هیچ یک از اهداف از پیش تعیین شده و آرمانی خود در این کشور دست نیافت. موارد زیر بیانگر تغییر اساسی در صحنه تحولات سوریه است که منافع ترکیه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است:

1. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تغییر موازنه قوا به نفع دولت اسد شد و این امر، آنکارا را از هدف بلندپروازانه خود یعنی سرنگونی دولت اسد در سوریه دور کرد.

2. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب برهم خوردن طرح ترکیه در مورد ایجاد منطقه پرواز ممنوع در سوریه شد؛ به خصوص که جنگنده های روسیه چند بار با نقض حریم هوایی ترکیه تلاش کردند این پیام را به آنکارا ارسال کنند که با توجه به حضور روسیه دیگر نمی توان به سمت ایجاد منطقه پرواز ممنوع یا منطقه حایل رفت.

3. حضور نظامی روسیه در سوریه باعث تضعیف قدرت و توان گروه های تروریستی وابسته به ترکیه مانند جبهه النصره و داعش شد.

4. حضور نظامی روسیه در سوریه باعث آسیب رسیدن به تجارت پرسود نفتی ترکیه و داعش شد؛ زیرا جنگنده های روسیه بارها کامیون های حامل نفت داعش را که راهی ترکیه بودند، مورد هدف قرار دادند.

5. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تضعیف قدرت ترکمن های سوریه شد. دولت ترکیه طی سال های اخیر تلاش کرده بود ترکمن های سوریه را متحد و آنها را برای ایجاد ارتش ترکمن تسلیح کند تا از یک سو به مبارزه علیه دولت اسد و از سوی دیگر به نبرد با کردهای سوریه بپیوندند.

6. حضور نظامی روسیه در سوریه موجب تضعیف گروه های تروریستی مانند جبهه النصره و داعش شد، موقعیت کردهای سوریه را برجسته تر از پیش کرد و امکان ایجاد یک کریدور کردی را در منطقه به وجود آورد. این امر با توجه به وابستگی عمیق کردهای سوریه به پکک، برای ترکیه یک تهدید امنیتی جدی به شمار می آید.

ب) پیامدهای تنش روسیه و ترکیه

از زمان مورد حمله قرار گرفتن جنگنده روسی توسط ترکیه، تنش لفظی میان دو کشور با توجه به عذرخواهی نکردن مقامات ترکیه تداوم داشت. این جدال لفظی هنگامی آغاز شد که ولادیمیر پوتین، ترکیه را متهم کرد که با مورد هدف قرار دادن جنگنده روسی با تروریست‌ها همدستی کرده و از پشت به کشوری «خنجر زده» که خود با تروریست‌ها در جنگ است.

این مسئله پیامدهایی را برای روابط روسیه و ترکیه در پی داشت که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

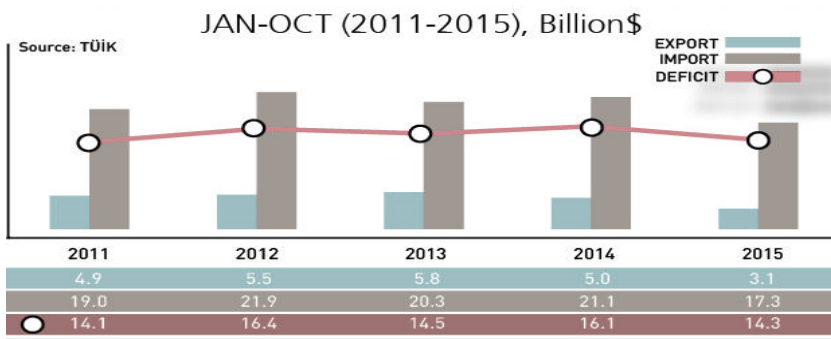
1. کاهش مبادلات اقتصادی: روسیه و ترکیه طی سال‌های اخیر از مبادلات اقتصادی گسترده‌ای برخوردار بودند؛ به نحوی که روسیه دومین شریک تجاری بزرگ ترکیه محسوب می‌شد. تا اواسط دهه 90 میلادی، مبادلات تجاری میان روسیه و ترکیه از رونق چندانی برخوردار نبود و تجارت دو طرف در وضعیت موازنه قرار داشت؛ اما با افزایش مراودات اقتصادی دو کشور، اکنون روسیه بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه است و آنکارا نیز هفتمین شریک بزرگ مسکو محسوب می‌شود. روسیه در سال 2008 به اولین شریک تجاری ترکیه تبدیل شد. در آن زمان، حجم تجارت دو جانبه در سال 2008، حدود 35 میلیارد دلار بود (Латышевю, 2010). حجم تجارت خارجی مسکو و آنکارا در سال 2009، حدود 15/7 درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت و هر دو کشور ابراز امیدواری کردند که سطح مبادلات تجاری خود را طی 5 سال آینده به 100 میلیارد دلار افزایش دهند. صادرات ترکیه به روسیه در سال 2010 با جهشی 44/7 درصدی، معادل 4/6 میلیارد دلار شد. در همین سال، واردات روسیه به ترکیه نیز افزایش 11 درصدی داشت و به 21/5 میلیارد دلار رسید. آخرین آمار نشان می‌دهد که حجم تجارت دو کشور در سال 2011 نیز نسبت به سال قبل با افزایش چشمگیری روبه‌رو شد؛ چنان که صادرات ترکیه به روسیه با افزایش



69/3 درصدی و صادرات روسیه به ترکیه با رشد 13/9 درصدی مواجه بود (Today's Zaman, 2011).

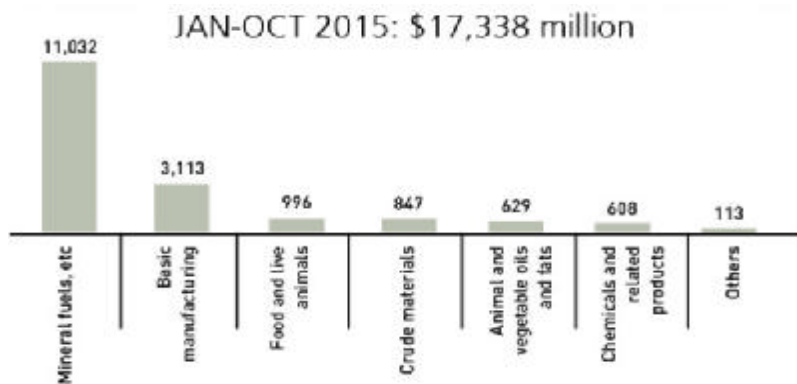
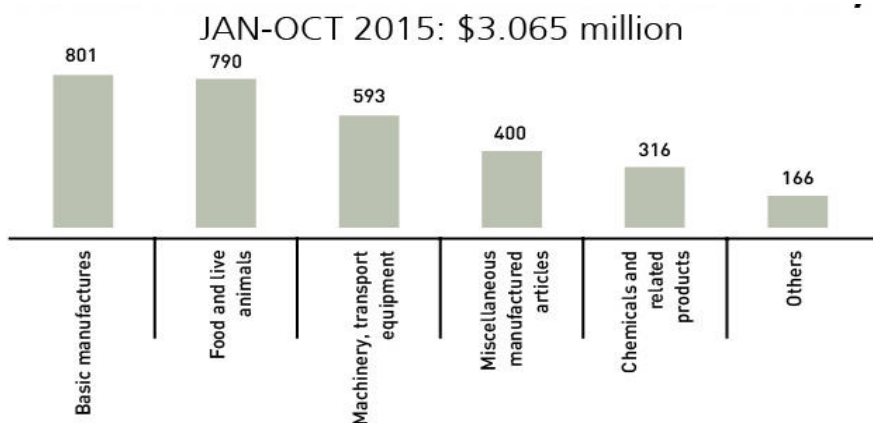
بخش عمده این میزان را فروش انرژی روسیه به ترکیه تشکیل می‌دهد. در واقع، خط لوله انتقال گاز طبیعی روسیه به ترکیه باعث سنگینی موازنه تجاری دو طرف به نفع روسیه شده است. علاوه بر نفت و گاز، کالاهای ساخته شده و مصرفی به همراه فلزات و مواد شیمیایی در صدر فهرست صادرات روسیه به ترکیه قرار دارند. صادرات ترکیه به روسیه نیز شامل وسایل نقلیه، منسوجات، محصولات غذایی و محصولات شیمیایی می‌شوند (РИА Новости, 2011). افزون بر این، روسیه نسبت به صدور تسلیحات و جنگ‌افزار به ترکیه نیز علاقه نشان داده؛ چنان که در سال‌های گذشته، بحث فروش تجهیزات نظامی از جمله بالگردهای جنگی، سیستم‌های موشکی اس 300 و اس 400، موشک‌های میان برد و احداث سیستم دفاع هوایی برای ارتش ترکیه مطرح بوده است (Aras, 2009: 6). در سال 2014، میزان مبادلات اقتصادی دو کشور حدود 32 میلیارد دلار بود که این رقم در سال 2015 به 14 میلیارد دلار کاهش یافت. با توجه به تنش‌های به وجود آمده و اعمال تحریم بر واردات مواد غذایی ترکیه از سوی روسیه، پیش‌بینی می‌شود که سطح مبادلات تجاری دو طرف به شدت کاهش یابد.

تجارت خارجی روسیه و ترکیه



(Sönmez, 2015)

بخش‌های مختلف صادرات روسیه به ترکیه



2. توقف سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و پروژه‌های عمرانی: ترکیه طی سال‌های اخیر سعی کرده با افزایش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در روسیه به جبران تراز تجاری منفی خود پردازد؛ به نحوی که در سال 2011، حدود 2 هزار شرکت ترکیه‌ای در روسیه فعالیت داشتند که سرمایه‌گذاری کل آنها معادل 7 میلیارد دلار تخمین زده می‌شد (Today's Zaman, 2011). همچنین سرمایه‌گذاری روس‌ها نیز در ترکیه حدود 4 میلیارد دلار برآورد می‌شد (Korepin, 2011). در مجموع، طی سال‌های اخیر، روسیه و ترکیه دست به سرمایه‌گذاری‌های متقابل اقتصادی در خاک یکدیگر زده بودند که احتمالاً بخش مهمی از این سرمایه‌گذاری‌ها متوقف و نیمه‌کاره رها خواهند شد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌ها،

طرح ساخت نیروگاه هسته‌ای در آق‌قویو ترکیه توسط روسیه است که احتمالاً روند ساخت آن متوقف می‌شود.

ترکیه قصد دارد در آینده، پنج نیروگاه هسته‌ای احداث نماید و به‌رغم تلاش برای جلب اطمینان آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای آسیایی نظیر ژاپن و کره برای حضور در طرح‌های هسته‌ای خود، هیچ‌یک از شرکت‌های هسته‌ای غربی آماده همکاری و انتقال فن‌آوری‌های مربوط به این کشور نیستند. در این بین، فقط روسیه برای ساخت اولین نیروگاه هسته‌ای در ترکیه پیش‌قدم شده و علاوه بر این، همچنین روسیه پرداخت بخش زیادی از هزینه‌های ساخت و ساز را به همراه آموزش سالانه 150 کارشناس ترک پذیرفته است (Вайц, 2011). در این راستا، دو کشور در سال 2010 به امضای توافق‌نامه‌ای 20 میلیارد دلاری پرداختند که مطابق آن، روسیه باید برای ساخت یک نیروگاه هسته‌ای در خاک ترکیه اقدام کند (РИА Новости, 2010). قرار است کنسرسیومی به ریاست شرکت دولتی روسی «اتم‌استروی اکسپورت»¹ یک نیروگاه اتمی 4,8 گیگاواتی را به ارزش 20 میلیارد دلار در آق‌قویو،² شهر ساحلی ترکیه احداث و راه‌اندازی کند که اولین نیروگاه اتمی ترکیه و بزرگ‌ترین نیروگاه در جهان خواهد بود. این شرکت روسی علاوه بر این که عملیات احداث این نیروگاه را برعهده دارد، در آینده نیز آن را کنترل خواهد کرد (Larrabee, 2011, p.111). علاوه بر این، ترکیه قصد داشت سوخت هسته‌ای مورد نیاز برای اولین نیروگاه اتمی خود را نیز از روسیه خریداری کند.

در نتیجه، در شرایطی که کشورهای غربی حاضر نیستند در پروژه‌های هسته‌ای ترکیه مشارکت کنند، روسیه تنها کشوری است که گام‌های قاطعی را برای ساخت اولین نیروگاه هسته‌ای ترکیه برداشت. این مسئله نه تنها بر اهمیت روسیه نزد ترکیه افزود، بلکه باعث تعمیق همکاری‌های سیاسی و اقتصادی دو

1. AtomStroyExport
2. Akkuyu



کشور نیز شد و تأثیر به‌سزایی بر افکار عمومی مردم ترکیه گذاشت؛ با این حال، شرایط جدید حاکم بر روابط مسکو و آنکارا، احتمال تداوم همکاری در این زمینه را کاهش می‌دهد.

3. کاهش گردشگران و سخت شدن صدور روادید؛ طی سال‌های گذشته، صنعت گردشگری همواره نقش مهمی در روابط اقتصادی دو کشور ایفا کرده؛ به نحوی که ترکیه محبوب‌ترین مقصد گردشگران روسی است. در سال 2011، حدود 3/5 میلیون نفر از اتباع روسیه به ترکیه سفر کرده بودند (Аккан, 2012). حجم بالای دیدارهای تفریحی و مسافرتی نه تنها به افزایش مبادلات اقتصادی منجر شد، بلکه یکی از نشانه‌های دوستانه شدن مناسبات میان دو کشور نیز بود. به ویژه این که مسئله مسافرت‌های گردشگری از یک سو باعث لغو روادید بین دو کشور شد و از سوی دیگر، تجارت چمدانی را به مناسبات اقتصادی دو کشور افزود. همچنین مسافرت گردشگران، تعداد ازدواج‌های اتباع دو کشور با یکدیگر را نیز افزایش داد (Özdal, 2010). این مسئله می‌توانست در آینده به عاملی مثبت در روابط دو کشور مبدل شود و حتی خاطرات منفی تاریخی دو ملت روس و ترک از یکدیگر را نیز کم‌رنگ نماید.

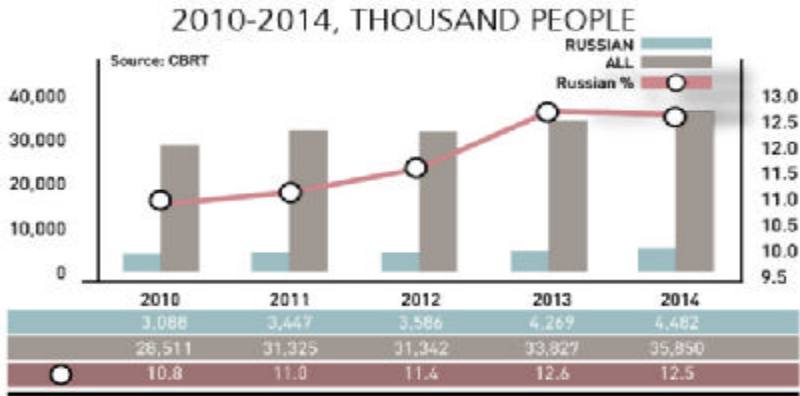
تعداد گردشگران روس در ترکیه



(Sönmez, 2016)

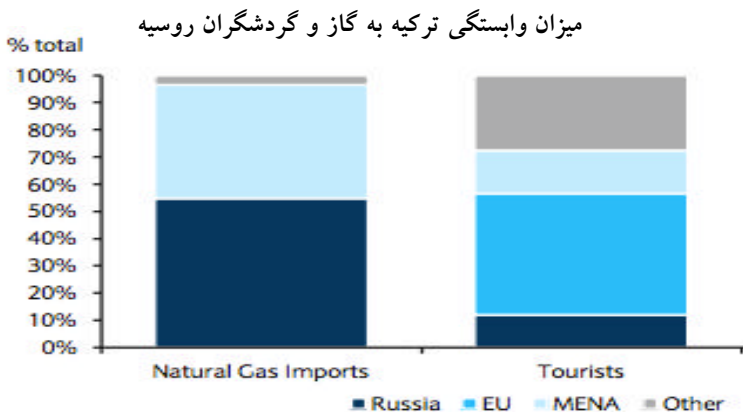
مقایسه گردشگران روس با مجموع گردشگران ترکیه





(Sönmez, 2015)

با این حال، پس از سرنگونی هواپیمای روسیه توسط ترکیه، مسکو به صراحت اعلام کرد که از اول ژانویه 2016، رژیم لغو روادید بین روسیه و ترکیه را ملغی خواهد کرد. علاوه بر این، روسیه از شهروندان خود خواست که دیگر ترکیه را به عنوان مقصد گردشگری انتخاب نکنند. همچنین وزارت خارجه روسیه با انتشار بیانیه‌ای شهروندانش را از سفر به ترکیه برحذر داشت و به روس‌هایی که در ترکیه به سر می‌برند، توصیه کرد به کشور خود برگردند. سالانه حدود 4,5 میلیون نفر به عنوان گردشگر از روسیه وارد ترکیه می‌شوند که توقف این روند می‌تواند خسارت 10 میلیارد دلاری به اقتصاد ترکیه وارد کند.



مطابق برآوردها، کاهش 4,5 میلیون گردشگر روس در سال 2016 حدود 12 درصد از مجموع 36 میلیون گردشگر ترکیه در سال 2015 محسوب می‌شود (Kirby, 2016).

چشم‌انداز روابط روسیه و ترکیه

تنش بین مسکو و آنکارا که با سرنگونی جنگنده روسیه توسط نیروی هوایی ترکیه به اوج خود رسیده بود، سرانجام با عذرخواهی اردوغان در پیامی رسمی به پوتین پایان یافت و پس از آن، رؤسای جمهور دو کشور دیدارهایی با یکدیگر داشتند. در این بین، وقوع کودتای نافرجام در ترکیه و حمایت روسیه از دولت اردوغان باعث بهبود روابط طرفین شد.

به نظر می‌رسد نزدیک شدن روسیه و ترکیه با توجه به عوامل زیادی صورت گرفته است که از میان آنها می‌توان به مباحث اقتصادی، معادلات انرژی و جغرافیای سیاسی اشاره کرد. از نظر برخی تحلیل‌گران، روسیه و ترکیه در سال‌های اخیر، تعدادی از متحدان خود را در عرصه بین‌المللی از دست داده‌اند و به همین دلیل به ایجاد رابطه متقابل با یکدیگر نیاز دارند. علاوه بر این، از نقطه نظر سیاسی نیز پوتین و اردوغان به دلیل سبک مدیریت استبدادی خود مشابه یکدیگر هستند. در واقع، اقتدارگرایی دو رئیس‌جمهور به مثابه وجه اشتراکی برای گسترش میان دو کشور به شمار می‌آید، زیرا در نهایت، شخص اردوغان و پوتین درباره جهت‌گیری سیاست خارجی کشور خود نظر می‌دهند و تصمیم می‌گیرند (Сачков, 2016). با این اوصاف، درباره چشم‌انداز روابط ترکیه و روسیه باید به چند مؤلفه اساسی توجه کرد که از وخامت اوضاع میان طرفین می‌کاهد. در واقع، هم ترکیه و هم روسیه در روابط خود با طرف مقابل دارای ملاحظاتی هستند که ناگزیر باید آنها را در نظر بگیرند.



الف) ملاحظات ترکیه در روابط با روسیه

از نظر ترکیه، روسیه کشوری به شمار می‌آید که از قدرت نظامی و جذابیت‌های اقتصادی به ویژه در حوزه انرژی برخوردار است و با عضویت در شورای امنیت، تأثیر بسیار زیادی بر تحولات جهانی دارد. ترکیه نیز به خوبی آگاه است که با بسته شدن تنگه‌های دریای سیاه و این مطلب که دست کم برخی خطوط انتقال انرژی خزر از روسیه گذر خواهد کرد، همواره سیاست‌های خود را نسبت به روسیه تعدیل و اهمیت ژئوپلیتیکی روسیه را جدی تلقی کرده است. بر این اساس، ترکیه در روابط خود با روسیه ملاحظاتی به شرح زیر دارد:

1. ساختار ارتش و نظامیان ترکیه کاملاً به آمریکا و ناتو وابسته هستند؛ به نحوی که هر اقدام نظامی از سوی ترکیه بدون هماهنگی با آمریکا و ناتو، دور از ذهن است. علاوه بر این، آنکارا به خوبی می‌داند که توان مقابله نظامی با روسیه را ندارد. بنابراین در شرایطی که آمریکا و ناتو خواهان رویارویی مستقیم نظامی با روسیه نیستند، ترکیه هیچ‌گاه دست به اقدامی نمی‌زند که مسکو را به اقدام نظامی تحریک کند.

2. طی سال‌های گذشته، معادلات مرتبط با انرژی از نقش مثبتی در گسترش روابط اقتصادی و سیاسی روسیه و ترکیه برخوردار بود. روسیه تأمین‌کننده دوسوم گاز مورد نیاز ترکیه است و انرژی 76 درصد از صادرات مسکو به آنکارا را تشکیل می‌دهد. ترکیه در سال 1986، قراردادی برای خرید شش میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از روسیه طی 25 سال امضا کرد و قرارداد مشابهی نیز برای خرید هشت میلیارد متر مکعب گاز طبیعی در سال 1998 منعقد شد. این دو کشور علاوه بر قراردادهای دوجانبه برای خرید و فروش انرژی، طرح‌های زیادی نیز برای انتقال انرژی روسیه از طریق خاک ترکیه به اروپا داشتند.

به طور کلی، روسیه در استراتژی انرژی ترکیه از جایگاه بالایی برخوردار است. با توجه به سند استراتژی ملی انرژی ترکیه که در سال 2008 توسط



وزارت امور خارجه این کشور تدوین شده است، ترکیه قصد دارد به کانون و قطب انتقال انرژی آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه، بالکان و روسیه به اروپا مبدل شود و در برنامه درازمدت اقتصادی و سیاسی خود، بندر «جیهان» را به پایانه انرژی در منطقه تبدیل کند. بر این اساس، روسیه در راهبرد انرژی ترکیه دست کم از سه جهت اهمیت دارد. نخست این که بخش مهمی از انرژی ترکیه از طریق روسیه تأمین می شود؛ در حالی که هم زمان با سرعت رشد تولیدات صنعتی در ترکیه، استفاده این کشور از انرژی نیز افزایش یافته است. از این رو، در شرایطی که تقاضای انرژی در این کشور به سرعت در حال رشد است، روسیه به عنوان یکی از بزرگ ترین قدرت های انرژی می تواند نقش مهمی در تأمین نفت و گاز مورد نیاز ترکیه داشته باشد. به ویژه که کشورهای خاورمیانه به دلیل عدم ثبات و وجود ناامنی نمی توانند منبع پایداری برای تأمین انرژی مورد نیاز ترکیه محسوب شوند.

دومین دلیل اهمیت روسیه در راهبرد انرژی ترکیه به این مسئله باز می گردد که ترکیه مایل است به عنوان واسطه صادرات گاز و نفت روسیه و منطقه خزر به اروپا عمل کند. هدف آنکارا، تبدیل شدن به کانون اصلی ترانزیت بین مناطق تولیدکننده گاز و نفت و بازارهای اروپا است. اگر این راهبرد ترکیه به سرانجام برسد، ترکیه می تواند به حلقه حیاتی در مجرای انرژی تبدیل شود که منطقه دریای خزر را به اروپا متصل می کند. از این رو، در شرایطی که روسیه همچنان مهم ترین و عمده ترین تأمین کننده انرژی اتحادیه اروپا محسوب می شود، ترک ها به خوبی می دانند که چنین امری بدون همکاری با روسیه امکان پذیر نیست.

در سال 2015، ترکیه حدود 60 درصد از گاز مصرفی خود را از روسیه وارد کرد که توقف صدور این میزان گاز به معنای فلج شدن صنایع مهم ترکیه و همچنین بحران انرژی برای خانواده های ترک خواهد بود. نباید از یاد برد که حدود 40 درصد از نیروگاه های برق ترکیه نیز با تزریق گاز کار می کنند که اگر



روند صدور گاز روسیه به ترکیه متوقف شود، بسیاری از شهرهای ترکیه با بحران خاموشی نیز مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، ترکیه هیچ جایگزین مطمئنی برای گاز وارداتی از روسیه ندارد و منابع گاز ایران و جمهوری آذربایجان نیز از ظرفیت‌های لازم برای تأمین این میزان گاز برخوردار نشد. در نتیجه، ترکیه به گاز وارداتی از روسیه نیازمند است و در حال حاضر توان تهیه انرژی مصرفی خود را از سایر کشورها ندارد. بنابراین در روابط خود با روسیه، وابستگی در حوزه انرژی را لحاظ می‌کند.

3. برخی از جریان‌های ترکی که از گذشته تحت تأثیر ایدئولوژی چپ بوده‌اند، همچنان وابستگی‌هایی به مسکو دارند. برای مثال می‌توان به دو گروه حزب کارگران کردستان (پکک) و جبهه‌رهایی‌بخش خلق انقلابی اشاره کرد. در حال حاضر، دولت ترکیه با پکک در حال نبرد است و تقویت کردها از سوی روسیه می‌تواند به چالشی مهم برای آنکارا تبدیل شود. علاوه بر این، جبهه‌رهایی‌بخش خلق انقلابی نیز به عنوان یک گروه چپ‌گرا پیش‌تر به اقدام‌های تروریستی و خرابکارانه مانند بمب‌گذاری جلوی سفارت آمریکا و حمله به پاسگاه‌های پلیس دست زده بود. در نتیجه، این گروه این آمادگی را دارد که به عنوان یکی از ابزارهای روسیه دست به اقدامات خرابکارانه در داخل ترکیه بزند و این مسئله باعث شد که ترکیه، مراقب احتمال حمایت روسیه از این گروه‌ها باشد.

ب) ملاحظات روسیه در روابط با ترکیه

روسیه اهمیت زیادی برای توسعه مناسبات خود با ترکیه قائل است و وسعت سرزمین، میزان جمعیت، شرایط جغرافیایی و حجم مبادلات تجاری با آنکارا اهمیت آن را برای مسکو بسیار زیاد کرده است. علاوه بر این، با توجه به شرایط و جایگاه فعلی ترکیه در منطقه خاورمیانه، توسعه دوستی با آنکارا، یک مزیت خاورمیانه‌ای برای مسکو محسوب می‌شود. از منظر روسیه، جایگاه ژئوپلیتیکی



ویژه ترکیه که بهترین راه دستیابی روسیه به آب‌های گرم نیز به شمار می‌آید، همواره دغدغه نزدیکی یا گذر از ترکیه بوده است. بر این اساس، روسیه در روابط خود با ترکیه دارای ملاحظاتی است:

1. ترکیه عضو ناتو است و هرگونه درگیری نظامی با این کشور به معنای درگیری با تمام کشورهای عضو ناتو است. در حال حاضر، روسیه تمایلی به رویارویی مستقیم نظامی با ناتو ندارد. این کشور با وجود جمعیت مسلمان خود، یک دولت سکولار محسوب می‌شود و روابط نزدیکی با غرب دارد. ترکیه عضو بیشتر سازمان‌ها و نهادهای غربی و بین‌المللی نظیر ناتو (1952)، سازمان تجارت جهانی (1995) و سازمان همکاری و توسعه اروپا (1961) است و از سال 1996 به اتحادیه گمرکی با اتحادیه اروپا وارد شده است.

بر این اساس، توسعه‌طلبی ارضی استالین به سمت ترکیه برای کنترل تنگه بسفر یکی از عوامل اساسی پیوستن آنکارا به ناتو در سال 1952 محسوب می‌شود و در حال حاضر نیز سازمان پیمان آتلانتیک شمالی عاملی تأثیرگذار در روابط روسیه و ترکیه به شمار می‌آید؛ به نحوی که بحث همکاری‌های ترکیه با ناتو یکی از نگرانی‌های عمده روسیه است.

2. روسیه با داشتن بیش از 33 درصد گاز طبیعی، 1 درصد نفت خام، 20 درصد ذغال سنگ و 14 درصد اورانیوم مالک حدود یک‌پنجم منابع انرژی در جهان است و به همین دلیل، جایگاه کاملاً ممتازی دارد. از این رو، روسیه برای حفظ و کنترل روابط خود با طرف‌های دیگر، حساب زیادی روی مقوله انرژی باز کرده و تمهیدات خاصی را در نظر گرفته است. بر این اساس، می‌توان حفظ انحصاری و احتمالاً گسترش بازار اروپا را مهم‌ترین راهبرد فعلی روسیه در حوزه انرژی محسوب کرد. در این راستا، روسیه در استراتژی انرژی خود، دو رویکرد را به صورت هم‌زمان تعقیب می‌کند:

1. تأمین امنیت و متنوع‌سازی مسیرهای انتقال انرژی؛



2. از بین بردن امکان صادرات گاز از هر منبع دیگر به قاره اروپا.

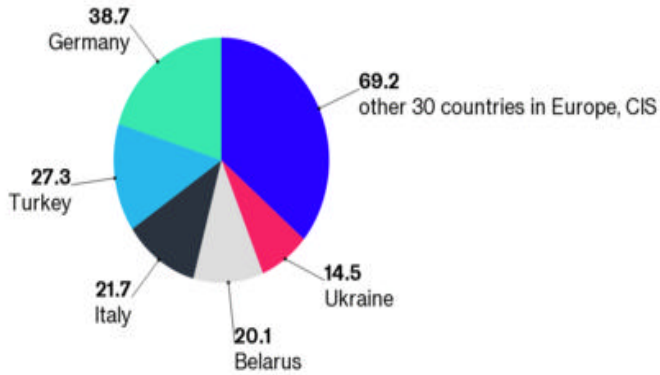
موارد فوق نشان می‌دهد که روسیه حاضر است برای تسلط بر بازارهای انرژی اروپا، تسلط خود را بر سایر بازارها کاهش دهد. اهمیت قاره اروپا در دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی روسیه باعث شد که مسکو به انرژی به مثابه ابزاری مهم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی نگاه کند. ترکیه به چند دلیل از نقش و اهمیت بسیار زیادی برای روسیه برخوردار است؛ نخست این که روسیه کشور ترکیه را کریدور بسیار مهمی برای انتقال انرژی خود به بازارهای اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا می‌داند و نسبت به گسترش خط لوله موجود بین دو کشور علاقه نشان می‌دهد. تحقق این هدف به روس‌ها اجازه می‌دهد بدون گذر از تنگه بسفر، انرژی خود را به فراسوی مدیترانه عرضه کنند. بنابراین ترکیه می‌تواند به عنوان مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا عمل کند. دلیل دوم اهمیت ترکیه برای روسیه در حوزه انرژی به این مسئله باز می‌گردد که آنکارا می‌تواند در روند احداث خطوط لوله که نفت و گاز منطقه خزر و خاورمیانه را به اروپا انتقال می‌دهند، کارشکنی کند. در واقع، با توجه به علاقه مندی اروپا به متنوع کردن منابع و مسیرهای تأمین گاز و نفت، استفاده از مسیر ترکیه به بهبود موقعیت روسیه در رقابت با سایر خطوط لوله نظیر نابوکو کمک خواهد کرد. در نتیجه، ترکیه از اهمیت بسیار زیادی برای روسیه در بحث انتقال انرژی برخوردار است.

در مجموع، روسیه به ترکیه مانند بازاری مناسب برای فروش انرژی خود می‌نگرد و در شرایطی که درآمدهای کلان روسیه به واسطه کاهش بهای نفت با افت مواجه شده است، صادر نشدن گاز به ترکیه نیز می‌تواند مسکو را از درآمد کلان دیگری محروم نماید. چنین امری با توجه به این که روسیه در حال حاضر هزینه‌های درگیری نظامی در سوریه و اوکراین را نیز متحمل می‌شود، تا اندازه زیادی دست مسکو را بسته است. در نتیجه، افت بهای نفت و کاهش درآمدهای ارزی مسکو باعث شد کرمین تمایلی به از دست دادن بازار گاز ترکیه و درآمد



حاصل از آن نداشته باشد.

جایگاه ترکیه در میان کشورهای صادرکننده گاز روسیه



(Gilblom, Mazneva, Shiryaevskaya, 2015)

3. ترکیه از دیرباز دارای روابط گسترده‌ای با شورشیان و جدایی طلبان قفقازی بود و به همین دلیل می‌تواند از ظرفیت آنها برای اعمال تروریستی در خاک روسیه استفاده کند. همچنین با توجه به وجود پیوندهای ترکی با برخی از اقوام نواحی مرکزی روسیه مانند تاتارها و باشقیرها می‌تواند به اعمال فشار علیه مسکو دست بزند. پیش‌تر نیز آنکارا برای تحت فشار قرار دادن روسیه در مورد اوکراین با حضور تاتارهای کریمه، دست به تشکیل مجمع تاتارهای جهان در ترکیه زد. بنابراین روسیه در روابط خود با ترکیه، مسائل قومی و جدایی‌طلبی را لحاظ خواهد کرد.

در عین حال، اگر ترکیه تمایل خود را مبنی بر سیاست نوعثمانی‌گرایی در مناطق پیرامونی ادامه دهد، با منافع و اهداف روسیه تضاد پیدا می‌کند، زیرا چنین سیاستی می‌تواند در منطقه خاورمیانه به نقش مخرب ترکیه نسبت به دو شهر حلب در سوریه و موصل در عراق منجر و در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به افزایش

گرایش پان‌ترکیستی ختم شود و حتی تا منطقه سین کیانگ چین و نواحی ترک‌نشین روسیه در قفقاز شمالی و اورال نیز گسترش یابد (Крук, 2016).

نتیجه‌گیری

از زمان روی کار آمدن پوتین و اردوغان، مبادلات تجاری میان روسیه و ترکیه افزایش چشمگیری یافته و همکاری‌های سیاسی مسکو و آنکارا با وجود حفظ شرایط رقابتی میان دو کشور، از ابعاد گسترده‌تری برخوردار شده است. بر این اساس، روسیه و ترکیه طی سال‌های گذشته به بازتعریف سیاست‌ها و استراتژی‌های خود در روابط دوجانبه پرداخته‌اند. همچنین هر دو کشور مصمم هستند که نگاه امنیتی و منفی حاکم بر روابط گذشته خود را به نگرشی مسالمت‌جویانه تبدیل کنند. در میان عواملی که باعث شکل‌گیری چنین نگرشی شده است، می‌توان به جهت‌گیری نخبگان حاکم و بوروکراسی دولتی در هر دو کشور، افزایش مبادلات اقتصادی، معادلات مرتبط با انرژی، الزامات ژئوپلیتیکی همکاری‌های منطقه‌ای و عامل بین‌المللی یا غربی اشاره کرد. البته برخی از این عوامل مانند عوامل بین‌المللی نقشی منفی بر توسعه روابط روسیه و ترکیه گذاشته‌اند و برخی دیگر مانند همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه دریای سیاه و منطقه قفقاز موجب رشد روابط دو طرف شده‌اند. علاوه بر این، جهت‌گیری نخبگان حاکم و بوروکراسی دولتی در هر دو کشور نیز نقش مثبتی در گسترش روابط روسیه و ترکیه ایفا کرده است. این مسئله از چنان عمقی در روابط دو طرف برخوردار شده که حتی به‌رغم تضادهای شدید ترکیه و روسیه درباره برخی از مسائل منطقه‌ای مانند بحران سوریه، روابط دو کشور همچنان در سطح بالایی جریان دارد و هر دو ترجیح می‌دهند با توجه به منافع گسترده همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی با یکدیگر تعامل داشته باشند. در واقع، حجم گسترده همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی دوجانبه و همچنین معادلات مرتبط با



انرژی باعث شد دو طرف، اختلاف نظرهای سیاسی خود را در معادلات دوجانبه در مکان نخست قرار ندهند.

با وجود ملاحظات متعدد که باعث عدم رویارویی مستقیم نظامی میان دو طرف می‌شود، وضعیت سوریه همچنان بر روابط روسیه و ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. البته این رویارویی به شکل مستقیم نخواهد بود، بلکه هر دو کشور سعی می‌کنند تا حد امکان از تأثیر مستقیم بحران سوریه بر روابط دوجانبه خود بکاهند. در عین حال رویارویی به معنای عدم همکاری در مورد بحران سوریه نیست، کما اینکه روسیه و ترکیه حتی در شرایط ترور سفیر مسکو در آنکارا، به برگزاری نشست مذاکرات آتش‌بس در سوریه پرداختند. با این حال عوامل متعددی می‌توانند در آینده مناسبات روسیه و ترکیه تأثیرگذار باشند و این رابطه را دچار اختلال نمایند. نحوه مواجهه با گروه‌های تروریستی در سوریه، مسئله کردها، نتایج تحقیقات مربوط به ترور سفیر روسیه در ترکیه، تغییرات ناگهانی در سیاست خارجی ترکیه و همچنین آینده سیاسی سوریه از جمله عواملی هستند که می‌توانند روابط مسکو و آنکارا را با مخاطراتی مواجه نمایند و به همین علت، رویارویی مسکو و آنکارا در سوریه همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. علاوه بر این، ممکن است رویارویی این دو کشور از منطقه خاورمیانه و بحران سوریه به سایر مناطق مانند قفقاز نیز کشیده شود؛ تا جایی که برخی، شعله‌ور شدن آتش جنگ چهار روزه در قره‌باغ را به تنش‌های موجود میان روسیه و ترکیه نسبت می‌دهند.



منابع

- اطهری، اسدالله و شعیب بهمن (1391)، نقش انرژی در توسعه روابط روسیه و ترکیه، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، ش 11، زمستان.
- بهمن، شعیب (1390)، گازپروم و رؤیای تسخیر بازارهای جهانی انرژی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش 75، پاییز.
- Aras. Bulent, 2009, Turkey and the Russian Federation: An Emerging Multidimensional Partnership, Seta Foundation, USA, Washington.
- Aras. Bulent, 2010, "From Cooperation to Integration in the Middle East," Sabah Online, July 22, OSC Document
- Davutoglu. Ahmet, 2001, Stratejik Derinlik, Turkiye'nin Uluslararası Konumu, reviewed by Hasan T. Kosebalaban, in the Middle East Journal, Autumn.
- Davutoglu. Ahmet, 2010, "Turkish Foreign Policy and the EU in 2010", Hurriyet Daily News.com, 10 February.
- Gilblom. Kelly, Mazneva. Elena, Shiryayevskaya. Anna, 2015, Ten Billion Reasons Why Russia Will Balk at Curbing Turkey's Gas, Bloomberg, 25 November,
- Hill. Fiona & Taspinar. Omer, 2006, Russia and Turkey in the Caucasus: Moving Together to Preserve the Status Quo?, Research Programme Russia/CIS, Institut Français des Relations Internationales.
- Hill. Fiona & Taspinar. Omer, 2007, Turkey and Russia: Axis of the Excluded?, Survival, vol.48, No.1, Spring.
- Korepin. Serge, 2011, Turkey and Russia: A New Friendship, Center for Strategic and International Studies, 18 Aug.
- Larrabee F. Stephen, 2009, Turkey, Russia and Regional Energy Strategies, the Brookings Institution, Washington, D.C. , July 15.
- Larrabee F. Stephen, 2011, Turkey's Eurasian Agenda, The Washington Quarterly, no.4, Winter.
- Kirby. Henry, 2016, More than half of Turkish businesses surveyed report no effect from Russian sanctions, Intelli News, 11 February
- Meral. Ziya and Paris. Jonathan, 2010, "Decoding Turkish Foreign Policy Hyperactivity," The Washington Quarterly 33, no.4, October.
- Migdalovitz. Carol, 2010, Turkey: Selected Foreign Policy Issues and U.S. Views, Congressional Research Service, 28 November .
- Özdal. Habibe, 2010, Turkey & Russia: Old Rivals, Strategic Partners, USAK Stratejik Gundem, 18,01
- Sönmez. Mustafa, 2015, Russian risk pressing Turkey's economy, Hurriyet Daily News, 07



December

- Sönmez. Mustafa, 2016, Cost of Russian crisis continues to rise, Hurriyet Daily News, 07 March
- Today's Zaman, 2009, Erdoğan to visit Russia next month, report says", 25.04.
- Today's Zaman, 2011, Turkey, Russia eye increased cooperation in business, trade, 14 March.
- Torbakov Igor, 2008, THE GEORGIA CRISIS AND RUSSIA-TURKEY RELATIONS, Published in the United States by The Jamestown Foundation.
- Vasiliev. Alexander, 2010, the Black SEA Region in Turkish Foreign Policy Strategy: Russia & Turkey on the Black SEA, Carnegie Moscow Center, Eport NO. 2.
- Аккан, Фарук, 2012, Парадигма отношений России и Турции изменилась, Перевод ИноСМИ, 30/01.
- Акынджи, Халиль, 2010, Россия и Турция избавились от политических проблем, Независимая газета, 29/04
- Арутюнян. Саргис, 2009, Турция: перспектива стать международным энергетическим узлом, Фонд «Нораванк».
- Вайц, Ричард, 2011, Россия-Турция: баланс взаимной выгоды, Центра военно-политического анализа в Гудзоновском институте (Hudson Institute), 18 Октябрь
- Латышеву Александр, 2010, "Россия и Турция готовы к нефтегазовым проектам", Известия, "РФ и Турция: товарооборот сократился на 40%", The Moscow Post, 14,01.
- Крук. Алистар, 2016, Эрдоган между Россией и США. Что будет с идеей неосманства, Россия в глобальной политике, 11 августа
- Разливаев, А., 2010, Турция: исламисты и армия, "Азия и Африка сегодня", М., N 1,
- РИА Новости, 2010, "Турция завершает подготовку к заключению договора о строительстве АЭС", 13,01.
- РИА Новости, 2011, Межгосударственные отношения между Россией и Турцией. Справка, 07/05
- Сачков. Дмитрий, 2016, Россия и Турция стараются восстановить экономическое сотрудничество, EurasiaNet, 22,09

